

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۶، ص ۶۸-۴۱

شرح احوال و بررسی دیوان شعاعی قاجار^۱

دکتر یوسف نیکروز^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

زهره جلیلی^۳

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

حسین عطریان^۴

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شیراز

چکیده

آنچه از گنجینه میراث ادبی مکتوب ما در دسترس است اندک نیست لیکن با تمام کوشش‌هایی که در جهت احیا و شناساندن این آثار صورت پذیرفته، شاعران، نویسندگان و آثاری که هنوز در انزوا قرار دارند، کم نیستند. یکی از شاعران ادب فارسی که در عصر خویش از شاعران توانا و مشهور بوده، «محمد حسین بن عیسی دولو بیگلربیگی» متخلص به «شعاعی» است که در دوره قاجار می‌زیسته و آثارش جزء دوره بازگشت ادبی است. دیوان شعاعی قاجار شامل مثنوی‌های «مصیبت نامه» و «مختارنامه»، غزلیات و قالب‌های دیگر همچون قطعه، قصیده، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی و ... است که در مجموع حدود هفده هزار بیت است. در مثنوی‌ها از شاهنامه فردوسی و در غزلیات از سعدی تقلید کرده

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۴

۱ تاریخ وصول: ۹۵/۷/۲۷

^۲ ynikrouz@mail.yu.ac.ir

^۳ zahra.jalili36936@gmail.com

^۴ hossein_au@yahoo.com

است. در این مقاله نگارندگان با استفاده از تصاویر دو نسخه این کتاب، یکی متعلق به کتابخانه ملی با شماره ۹۷۰ ف و دیگری متعلق به کتابخانه ملک با شماره ۴۷۴۹ ش، به معرفی این نسخ پرداخته و محتوا و مضامین شعری شاعر را بررسی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی

شعر فارسی، دوره قاجار، نسخه خطی، شعاعی قاجار، مضامین شعری.

۱- مقدمه

«نسخه‌های خطی، سرمایه و پشتوانه فرهنگی هر ملت است. این گنجینه‌ها نمایانگر تاریخ علم و ارزش‌های هنری در قرون مختلف است. بی‌شک یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه، احیای این گنجینه‌ها و آثار مکتوب بر جای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴۰). در تاریخ ادب فارسی آثار شکوهمند نظم و نثر بسیاری به چشم می‌خورد. آثاری که با زندگی، فکر و اندیشه مردم پیوندی نزدیک برقرار کرده، از همین رو جاودانه گردیده‌اند. پس از آنکه علامه قزوینی با شیوه تصحیح انتقادی و علمی آشنا شد و این روش را برای تصحیح متون به کاربرد، نقطه عطفی در صحیح متون به وجود آمد. این تحول سبب گردید تا در مدت اندکی بسیاری از متون ادب فارسی به شیوه صحیح و علمی تصحیح گردد. با وجود آنکه آثار تصحیح و احیا شده هر روز رو به فزونی است لیکن هنوز بخش عظیمی از آثار ادبی و دواوین شعری به صورت نسخه‌های خطی در گوشه کتابخانه‌های مختلف در بوتۀ فراموشی است. یکی از شاعران گمنام «شعاعی قاجار» است که در دوره خود از بنامان شعر فارسی بوده است. «محمد حسین بن عیسی دولو بیگلربیگی» متخلص به شعاعی قاجار از شاعران قرن سیزدهم هجری در دوره بازگشت ادبی است.

۱-۱- وضعیت شعر در عصر قاجار و بازگشت ادبی

با به قدرت رسیدن قاجاریان و برقراری امنیت نسبی در ایران به‌ویژه از زمان فتحعلی شاه قاجار، در بسیاری از ابعاد کشور تغییراتی به وجود آمد که شعر و ادبیات هم از این تغییرات برکنار نماند. «فتحعلی شاه قاجار از جمله پادشاهانی است که خود طبع شعر داشت و شعر می‌سرود و خاقان تخلص می‌کرد و شاعران را در انجمنی که با نام انجمن خاقان در دربار خود راه انداخته بود، جمع می‌کرد. هدف انجمن خاقان رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و فقر دوره انحطاط صفوی و زمان آشوب و اغتشاش بعد از آن بود؛ اما برای رسیدن به منظور خود، راه دیگری جز بازگشت به سبک و شیوه قدیم و پیروی از طرز بیان استادان بزرگ، مانند فردوسی، عنصری، فرخی، منوچهری، حافظ و سعدی نمی‌دانستند» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱۵). «نهضت بازگشت ادبی دو شاخه اصلی دارد؛ اولی قصیده-سرایي به سبک شاعران کهن خراسان و عهد سلجوقی، دوم غزل‌سرایي به سبک عراقی یعنی تقلید از حافظ و سعدی. مضمون اصلی شعر شاعران این دوره در دو حوزه قصیده و غزل، مدح بوده است زیرا سلاطین قاجار که خود را با سلاطین غزنوی و سلجوقی مانده می‌دانستند از شاعران، قصاید مدحی انتظار داشتند» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۰۶).

۱-۲- مدح در عصر قاجار

با مطالعه تاریخ ادبیات این دوره این حقیقت آشکار می‌شود که پادشاهان، خود ترویج‌کنندگان شعر و ادب این عصر بوده‌اند؛ زیرا اینان شاعران را بهترین وسیله برای تبلیغ حکومت‌های خود و بیان کشورگشایی و کشورداری خود می‌دانسته‌اند. با به قدرت رسیدن فتحعلی شاه و تشکیل انجمن، شاعران قصیده پرداز بسیاری در دربار او گرد آمدند که برای رسیدن به جاه و مال، از هرگونه مبالغه در وصف ممدوحان خود دریغ نمی‌کردند. در این دوره هر چند که در غزلیات مدح و ستایش را می‌بینیم، قالب اصلی شعر مدحی، قصیده است. از این منظر شاهان و بزرگان قاجار به ستایش خود مفتون بوده‌اند و شاعران هم از

این راه به نان و نوایی می‌رسیده‌اند. برخلاف این که متفکران گفته‌اند شعر باید بیانگر دردهای جامعه باشد و شاعر در هر دوره و زمانی لااقل گوشه‌ای از احوال مردم روزگار را در اشعار خود منعکس کند، در اشعار این دوره نه تنها مدایح بلکه سایر اشعار شاعران از اوضاع زمانه، روابط اجتماعی مردم، آرزوها و تمایلات افراد جامعه، شیوه اندیشه، نارسایی‌ها، ضعف‌های اخلاقی و بسیار مسائل دیگر تهی است (وزین پور، ۱۳۷۴: ۲۰).

۱-۳- تشیع و نگرش به دین و بازتاب آن در شعر این دوره

مذهب تشیع در دوره صفویه به اوج خود می‌رسد. در ادامه این دوره، شاهان قاجاری نیز این رویه را ادامه می‌دهند و نسبت به مذهب تشیع و مخصوصاً عزاداری امام حسین (ع) ارادت و توجه خاصی نشان می‌دهند. معتقدات مذهبی و تأثیر آن را در ادبیات، اگر عاملی در رواج و رونق شعر و ادب در این عصر بدانیم، به خطا نرفته‌ایم. در این عصر بنای تکیه دولت به امر ناصرالدین شاه، برای شبیه خوانی برپا می‌گردد (تجربه‌کار، ۱۳۵۰: ۴۲).

شاعران عصر قاجار تحت تأثیر این محیط مذهبی، در اشعار خود نسبت به ائمه اطهار ارادت ورزیده و اعتقادات مذهبی خود را در اشعارشان هویدا ساخته‌اند. یکی از انواع شعر که در این عصر رواج داشته، مرثیه‌سرایی است. در دیوان بیشتر شاعران این عصر مرثیه‌ها و ترکیب‌بندهایی در رثای امام حسین (ع) و اهل بیت به چشم می‌خورد. فتحعلی‌شاه از این نوع شعر در دیوان خود بسیار دارد.

تجربه‌کار در کتاب «سبک شعر» خود این‌گونه می‌نویسد: «گذشته از تعزیه و شبیه‌خوانی اشعار بسیاری در وقایع کربلا از این دوره به یادگار مانده و همه شعرای معروف و غیرمعروف که دیوانشان به چاپ رسیده، در این زمینه بیش و کم اشعاری ساخته‌اند. به طوری که این گمان حاصل می‌شود که اگر شاعری در مرثیه‌گویی اهمال داشته، به یک نوع سرشکستگی و بی‌قیدی مذهبی متهم می‌شده است» (همان: ۴۳).

پیشینه تحقیق

گرچه دیوان شعاعی قاجار توسط زهرا جلیلی در دانشگاه یاسوج تصحیح شده است لیکن هیچ کار پژوهشی دیگری در این زمینه انجام نشده است.

۲- معرفی شعاعی قاجار

متأسفانه درباره زندگی و شرح حال شعاعی قاجار اطلاعات چندانی در دست نداریم. با وجود کثرت اشعار در تذکره‌های مهم از جمله حدیقه الشعراء، الذریعه، مناقب علوی، مدینه‌الادب، مجمع الفصحا، روز روشن، انجمن خاقان، نگارستان دارا، اکسیر التواریخ، سفینه‌المحمود، ریاض العارفین، آتشکده آذر و ... از او نامی برده نشده است. تنها در دو منبع که در زمان حاضر نگارش یافته یکی «کتابشناسی امام حسین (ع)» نوشته محمدعلی خلیلی در صفحه ۱۶۳ و دیگری کتاب «کاروان شعر عاشورا» نوشته محمد علی مجاهدی است که به معرفی اجمالی این شاعر پرداخته‌اند: «محمدحسین (شعاعی) قاجار، سراینده منظومه واقعه کربلا به سال ۱۲۸۷ هـ.ق. که آن را پیش از مثنوی مختارنامه خود سروده است. در آن آمده: چو شد ختم این نامه نامدار ز سال شعاعی شده سی و چار ...» (مجاهدی، ۱۳۸۶: ۶۵). به این ترتیب اطلاعات محدودی که در دست است برگرفته از اشاراتی است که در متن نسخه خطی در کتابخانه ملی و ملک موجود است. محمدحسین بن عیسی قاجار دولو بیگلربیگی متخلص به شعاعی قاجار در پانزدهم شعبان ۱۲۵۳ هـ.ق. در ری دیده به جهان گشود. با توجه به اینکه منبع دیگری جز دیوان شاعر برای بررسی زندگی و احوال شاعر در دست نیست، تاریخ وفات آن معلوم نیست و همچنین درباره احوال و دوران تحصیل و ... اطلاعات چندانی در دست نیست.

محمدحسین بیگلربیگی در اشعار خود شعاعی تخلص می‌کرد و در غزلیات خویش این تخلص را در بیت آخر و گاهی ماقبل آخر آورده است.

چرا باید شعاعی زین تمنی به پیش نفس خود شرمنده باشد
(۵۵۴)

۱-۲- روزگار شعاعی در عصر قاجار

شعاعی زمان کودکی را در دوره حکومت محمدشاه به سر برده که اطلاعاتی در مورد روزگار شاعر در آن زمان در دست نیست اما از دوران نوجوانی تا سن میان‌سالی شاعر در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه است که با توجه به اطلاعاتی که در دیوان شاعر آمده است، آن‌ها را بیان می‌کنیم؛ شاعر زندگی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است، گاهی به حکم ناصرالدین‌شاه یکی دو سال در تربت از مناطق خراسان حکمران بوده است:

در خراسان این سه جنت خلق کرده کردگار
عصر تربت صبح نیشابور و شام سبزوآر
شاه جم جاهم به تربت حکمران فرموده بود
یک دو سالی اندر آنجا بود صاحب اختیار
(۶۳۵)

و گاهی در محبس بیگلربیگی در زندان به سر برده که البته دلیل آن روشن نیست:
افتاده در گل بار من، دستم نگیرد هیچ کس
بارد همی بر جان و تن تیر بلا از پیش و پس
هر روز بدتر کار من هی سردتر بازار من
در محبس بیگلربیگی افتاده از بند عسس
(۵۷۶)

البته آنچه از ابیات دیوان شاعر برداشت می‌شود شاعر بیشتر دوران زندگی خود را در وضعیت نامناسبی گذرانده است. وی از روزگار و زمانه‌اش دل‌خوشی چندانی نداشته است و همواره از روزگارش شکایت می‌کند:

ندیدم در این زیر چرخ بلند
دل‌ی چون دل خویشان مستمند
پریشان و افسرده و تنگ‌دل
نه یار و نه غمخوار و نه غم‌گسل
ز گیتی جفایی که من دیده‌ام
چه پرسوی گواهی دهد دیده‌ام
(۳۶۹)

شاعر حتی زمان جوانی خود را با ناراحتی و پریشانی گذرانده و در اشعارش این گونه بیان می‌کند:

رسیدی مرا سال در سی و چار به درد و غم و ناتوانی دچار
جوانی چنین سرد بازار من به پیری چه خواهد شدن کار من
(۳۶۹)

در روزگاری که طاعون همه جا را گرفته است و شاعر در شرایط بدی به سر می‌برد، از «ظهیرالدوله» (وزیر تشریفات ناصرالدین شاه) گله می‌کند؛ چراکه شاعر را از نظر افکنده و به او توجهی ندارد:

ظهیرالدوله چون بیند بخندد سخن‌های شعاعی را مکرر
از آن وقتی که چون اشکم فکندی ز چشم خویشان برپای از سر
(۵۷۴)

دوران زندگی شاعر دوران بسیار سختی بوده است. از طرفی بلایای طبیعی (وبا، طاعون، خشک سالی) به شدت زندگی و معیشت شاعر را تحت تأثیر قرار داده است و از سوی دیگر وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی و بی‌کفایتی پادشاهان قاجار عرصه زندگی را برای مردم سخت کرده است:

بمرد آن‌قدر مردان در خراسان ز طاعون و وبا از خشک و از تر
نخستین سال طاعون کرد بیداد وبا افتاد اندر سال دیگر
گروهی خواجه کردند و درون چاک پریشان جمعی اخته قومی ابتر
(۵۷۵)

و همین امر باعث می‌شود در جاهایی از دیوانش با طنزی تلخ اوضاع و احوالش را به تصویر بکشد.

شعاعی قاجار بدون شک شاعری شیعه مذهب است که در جای جای اشعارش بر ولایت و امامت اهل بیت عصمت (ع) و تعالیم مکتب تشیع تأکید کرده‌است و در مدح و منقبت پیامبر (ص)، امام رضا (ع) اشعاری سروده که حاکی از اعتقادات خاص شیعی اوست و به‌صراحت رستگاری را در مذهب اثنا عشری می‌داند.

خداوند جود و سخاوت علی است شهنشاه لطف و مروّت علی است
اگر چه علی نیست عین خدا ولیکن علی هست عین خدا
(۱۴۹)

امام هشتم سلطان دین رضا که هنوز به نام نامی او فخر می‌کند ایّام
(۱۵۰)

البته مثنوی‌های مصیبت نامه و مختارنامه نشان بارز از ارادت خاص شاعر به امام حسین (ع) و مظلومیت شهیدان کربلاست که شاعر با جدیت و علاقه خاص این واقعه جان‌گداز را به نظم درآورده و در گوشه گوشه اشعارش علاقه به اهل بیت به‌وضوح به چشم می‌آید.

۲-۳- ازدواج و فرزند

از زندگی شخصی شاعر و ازدواج وی سخنی به میان نیامده است و تنها به داشتن یک فرزند پسر اشاره شده که آن هم هنگامی که شاعر در سن شصت سالگی بوده پسرش هاشم در سن سی سالگی از این دنیا رخت بر بسته و شاعر را به غم و اندوه دچار کرده است:

کجا رفتی ای هاشم نامور بهین نو گل بوستان پدر
تو سی ساله رفتی و من شصت سال بماندم پر اندوه شوریده حال
(۲۸۹)

۳- معرفی نُسخ خطی و آثار شعاعی قاجار

از آثار این شاعر گمنام سه نسخه وجود دارد:

۱- نسخه خطی «رساله‌ای در وبا» از محمد حسین قاجار در کتابخانه ملی به شماره ۷۳۵ ف

۲- نسخه خطی «دیوان شعاعی قاجار» در کتابخانه ملی به شماره ۹۷۰ ف

۳- نسخه خطی «دیوان شعاعی قاجار» در کتابخانه ملک به شماره ۴۷۴۹ ش

با توجه به آنچه به شعاعی قاجار نسبت می‌دهند، شعاعی دو اثر ارزشمند با نام‌های دیوان اشعار و رساله‌ای در وبا دارد. البته این رساله ترجمه‌ای از میسو جبرئیل و محمدحسین قاجار است که در کتابخانه ملی با شماره ۷۳۵ ف در سال ۱۶۶۲ ه.ق در ۱۶ برگ، ۱۰ سطر نوشته شده و نسبت دادن آن به محمد حسین بن عیسی قاجار اشتباه است. طبق معرفی نامه‌ای که در ابتدای نسخه آمده است نویسنده می‌گوید: «پس از آموختن علم طب به امر شاه به مملکت روم رفتم و در آنجا به آموختن زبان فرانسه پرداختم چون به تهران آمدم این رساله را که به زبان «فراینه» بود با میسو جبرئیل که می‌بایست آن را به فارسی ترجمه کند، ترجمه کردم سپس ترجمه را بار دیگر مطالعه نمودم...» (محمدحسین قاجار، ۱۲۶۲ق: ۱).

همچنین در نسخه اشاره شده است که نویسنده در دوران جوانی بوده است. در صورتی که طبق نسخه دیوان شعاعی قاجار، تولد شاعر در سال ۱۲۵۳ ه.ق. است و تا سال ۱۲۶۲ ه.ق. که در این کتاب نوشته شده، تنها نه سال داشته است و نمی‌تواند این محمد حسین قاجار همان محمد حسین بن عیسی قاجار باشد بلکه می‌توان گفت که در کتابخانه به اشتباه این اثر را به نام شاعر ثبت کرده‌اند.

نسخه‌هایی که بررسی شده‌اند، عبارت‌اند از:

۳-۱- نسخه خطی دیوان شعاعی قاجار در کتابخانه ملی به شماره ۹۷۰ ف

نسخه ملی تنها نسخه کامل کلیات شعاعی قاجار است که در زمان حیات مؤلف توسط محمد علی قاینی کتابت شده است. این نسخه ابتدا در سال ۱۳۰۱ وارد کتابخانه معارف شده است. نسخه به خط نستعلیق در ۳۴۸ برگ نوشته شده و جنس صفحات آن از کاغذ «دولت آبادی» است. تزئینات جلد تیماج قرمز، ترنج و نیم ترنج، کوبیده و مقوایی است و

تزیینات متن آن سرلوح^۱ مذهب زر و شنگرف و لاجورد است. سر فصل‌ها با مرکب سیاه نوشته شده و دارای جدول دور سطور به رنگ زرد، سیاه و قرمز است و جدول بیرونی و میان مصراع سیاه کشیده شده است.

دیباچه کتاب که به صورت منثور است، شامل هفت صفحه می‌شود تعداد سطرهای هر صفحه متغیر است؛ به گونه‌ای که سطرها بین ۱۵ تا ۳۰ سطر متغیراند.

در مثنوی «مصیبت نامه» که از صفحه ۸ تا ۴۷۶ را شامل می‌شود، بیشتر صفحات دارای هامش و تعدادی صفحات دارای حاشیه^۲ است. در جاهایی که هامش دارد، حتی گاهی به ۳۰ سطر هم می‌رسد.

پس از آن مثنوی «مختارنامه» از صفحه ۴۸۷ تا ۵۲۴ است. هر صفحه شامل بیش از سی سطر و هر سطر دارای دو بیت است و تمام صفحات مختارنامه دارای هامش است. پس از مثنوی‌ها از صفحه ۵۲۵ تا ۶۸۵ غزلیات، ترجیع بند، ترکیب بند، ماده تاریخ، قطعه، قصیده، رباعی و... قرار دارد که بیشتر آن هامش و حاشیه دارد.

نسخه ملی در ابتدا با ترقیمه^۳ آغاز شده است. شاعر برای نشان دادن استادی و تبخّر خود در این زمینه در هفت صفحه که دیباچه کتاب را تشکیل می‌دهد پس از حمد و ستایش خداوند، نعت و منقبت معصومین، خود و پدر و اجدادش را معرفی کرده و سبب نظم کتاب را نیز بیان کرده است و پس از آن دیباچه کتاب خود را به مهر افراد مشهور و بزرگ زمان خود مزین کرده است؛ کسانی همچون شیخ محمود فرزند شیخ جعفر اراکی که مشهور به محمود عراقی و از علمای بزرگ قرن سیزدهم است (عراقی فقیهی اصولی و مجتهدی محدث و عالم به علم رجال بود)، همچنین آخوند ملا آقا دربندی معروف به فاضل دربندی واعظ شیعی قرن سیزدهم که مهم‌ترین اثرش «اسرار الشهاده» در مورد شهادت امام حسین (ع) است.

از دیگر کسان محمدعلی قاینی ناظم کتاب، محمدکاظم همدانی، محمد جوینی، شیخ

فخرالدین طریحی و ... هستند که بیشتر آنان علما و بزرگان شیعه در عصر مؤلفند که کتاب را مهر کرده‌اند و این خود نشان‌دهنده دانش و سواد مؤلف است. با توجه به نوشته استاد مایل هروی: «ترقیمه نسخه‌های خطی چونان شناسنامه آنهاست زیرا هویت نسخه‌ها را می‌توان با توجه به کمیت و کیفیت ترقیمه‌ها شناخت. مثلاً اگر کاتب یا نسخه‌نویس اهل فضل بوده و به ساخت زبانی و معنوی کتاب آشنا بوده باشد، در ترقیمه‌اش به نوشتن دو سه عبارت کلیشه‌ای بسنده نمی‌کند بلکه شکر خدای می‌گذارد و درود بر پیامبر اکرم و اهل بیت او می‌فرستد و از نام خود و زمان و مکان کتابت و آگاهی از نام کتاب و مؤلف یاد می‌کند؛ در حالی که کاتب ناآگاه و بی‌مایه صرفاً به نقل کلمات و عبارات کلیشه‌ای اکتفا می‌کند. از این رو اگر نسخه‌ای از منظومه‌ای را دیدیم که کاتب نکات ترقیمه‌اش را با نظم استوار و سخته رقم کرده بود، می‌توان با توجه به ترقیمه منظومه‌اش، حدود آگاهی او از آن منظومه سنجید» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۲۵).

آغاز ترقیمه در نسخه ملی بدین صورت است:

«بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى شَأْنُهُ وَ تَقْدَسُ جَلَالُهُ وَ عَمَّ نَوَالُهُ، مَخْفَى نَمَانَادُ كِهْ پَسْ اَزْ مَدْتِي مَتَمَادِي
كِهْ بَا سِرْكَارِ عِظْمَتِ وَ جَلَالَتِ شَوْكَتِ نَبَالَتِ دَرْبَارِ آقَايِ مُحَمَّدِ حَسِينِ خَانَ قَاجَارِ وَ الْوَالِدِ
مَاجِدِ آن بَزْرگَوَارِ مَرْحُومِ مَبْرُورِ طُوبِي مَكَانِ، عَلِيْنِ آشِيَانِ، سَاكِنِ فِرَادِيْسِ الْجَنَانِ، حَاجِي
عِيْسِي خَانَ بِيْگَلْرِ بِيْگِي، طَابَ اللَّهُ ثَرَاءُ، جَعَلَ الْجَنَّةَ مَكَانَهُ... عَلِيٌّ مَا يَقُولُ وَ كَيْلُ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ
الْعِرَاقِي (۱۳۰۱) (ملی: ۱)

علاوه بر ترقیمه‌ای که در ابتدای کتاب آمده، شاعر در جای‌جای اشعار خود نیز ابیاتی را در معرفی خود و تاریخ کتابت نسخه و... بیان کرده است. همچون:

دریغاکه عمرم به پنجاه شد	ز نیک و بدم قصه کوتاه شد
ز هجرت گذشته هزار و سه صد	که شد ختم این نامه گر نیک و بد

شعاعی در نخستین صفحه از کتاب خود از ظُهر استفاده نکرده است اما پس از دیباچه در ابتدای مثنوی و غزلیاتش از ظُهر^۴ استفاده کرده است و آن را با مذهب اسلیمی^۵ آراسته است.

نسخه ملی تمام صفحاتش دارای رکابه^۶ است.

نسخه ملی در جاهای زیادی دچار مسوده نویسی (سرسری نوشتن و ورق سیاه کردن) شده که متن را ناخوانا کرده است و در بسیاری مواضع دارای خط ترقین (سیاه کرده موضع و خط کشیدن بر نوشته) و علائم ابطال است که جزء مواردی است که می‌توان برای بررسی اصل بودن نسخه به آن‌ها نیز استناد کرد. در کل نسخه از دو عکس استفاده شده یکی تصویر سیاه قلمی از ناظم و راقم کتاب و دیگری عکس از صحنه کربلا است. ابتدا و انتهای نسخه ملی ابتدای نسخه همان گونه که در ترقیمه بیان شد، با ستایش و منقبت، معرفی شاعر و سبب نظم کتاب آغاز شده است. در پایان نسخه ابیات پراکنده‌ای از شاعران دیگر به همراه چند ماده تاریخ آمده است و می‌توان گفت بیت پایان نسخه این گونه است:

ای هزاران جان به قربان حسین داد جانی جان عالم را خرید

(۶۵۰)

۳-۲- نسخه خطی دیوان شعاعی قاجار در کتابخانه و موزه ملی ملک ۴۷۴۹ ش

نسخه ملک را شاعر خود کتابت کرده است و بسیار منظم‌تر و خواناتر از نسخه ملی است. نسخه ملک دیباچه، مثنوی مصیبت نامه، حدود ۹۵ غزل از ۳۲۹ غزل و حدود ۶۰۰ بیت از قالب‌های مختلف را ندارد. همچنین قسمت پس از غزلیات، کاملاً در نسخه ملک خلاصه شده است که می‌توان گفت نسخه ملک اصلاح شده و خلاصه‌ای از نسخه ملی است. حسن فیضی راد در سال ۱۳۶۸ روی نسخه ملک تعمیراتی از جمله جزوه بندی، ته‌دوزی، وصل صفحات، تعویض جلد، تعویض عطف جلد، انجام داده است.

جلد نسخه مخمل بنفش و جنس صفحات آن از فرنگی آهار مهره در ۲۱۳ برگ است

که در سال ۱۳۰۳ کتابت شده و ابتدای نسخه پس از برگ سفید با عکس ناصرالدین شاه که اطراف آن را با "مذهب اسلیمی" آراسته است، شروع شده. در آخر نسخه نیز با عکس خود با تزئین سرترنج به پایان رسیده است. همچنین در نسخه هشت قطعه عکس از ناصرالدین شاه که همه آن‌ها دارای سرلوح ترنج می‌باشند و مظفرالدین شاه، علی میرزا ملقب به ظل‌السلطان، کامران میرزا، میرزا اصغرخان ملقب به امین‌السلطان و یک تصویر سیاه قلم از معراج پیامبر نیز آورده شده است.

در شناسنامه نسخه در کتابخانه ملک، شاعر را محمد حسین بن محمد باقر معرفی کرده که اشتباه است. شاعر فرزند عیسی‌خان است و محمد باقر جد پدری شاعر محسوب می‌شود و به اشتباه آن را پدر شاعر معرفی کرده‌اند.

نسخه ملک شامل مثنوی مختارنامه، غزلیات، ترجیع بند، ترکیب بند، قصاید و رباعی است. بیشتر صفحات نسخه دارای ۱۵ سطر است و تعداد محدودی از صفحات حاشیه دارد ولی در این نسخه از هامش استفاده نشده است. سرفصل‌ها با مرکب قرمز نوشته شده است و دارای جدول دور سطور به رنگ زرد و قرمز است و جدول بیرونی بیشتر آبی است و میان مصرع‌ها و بیت‌ها جدول قرمز کشیده شده است. البته در قسمت‌هایی اندک نیز از کنگره‌های زر نیز سود جسته است. همچنین در متن مسوده به چشم نمی‌آید.

در نسخه ملک تمام صفحات فرد رکابه دارد. ظهر و ترقیمه در ابتدای کتاب ندارد ولی در پایان مختارنامه، غزلیات و آخر نسخه دارای ترقیمه است که از آن می‌توان تاریخ تولد شاعر، سال کتابت و اطلاعات سودمند دیگری به دست آورد که نسخه ملی فاقد آن است. از جمله آخر نسخه ملک که این‌گونه خاتمه یافته است:

«ناظمه و کاتبه محمد حسین خان قاجار دولو ولد مرحوم مبرور حاجی عیسی خان بیگلربیگی امید است چشم از معایب و حقارتش پوشیده به کرم عمیم قبول فرمایند ۱۳۰۲»
(نسخه ملک، ۳۲۵)

از تفاوت‌های دیگری که در اساس دادن نسخه ملی نقش بسزایی نیز داشته است و نشان‌دهنده قدیمی‌تر بودن نسخه ملی است، می‌توان به این مورد اشاره کرد: در نسخه ملی مختارنامه در سال ۱۳۰۰ همان‌طور که شاعر در ابیات خود آورده است، به پایان رسیده است:

ز هجرت گذشته هزار و سه صد که شد ختم این نامه گر نیک و بد

(۵۲۱)

ولی نسخه ملک طبق نوشته شاعر مختارنامه در سال ۱۳۰۲ به پایان رسیده است:

«ختم به فضل الله سبحانه و تاییده فی شهر ذی‌الحجه الحرام من سنه ۱۳۰۲ من الهجره المقدسه علی ید ناظمه محمد حسین خان قاجار دولو ولد مرحوم المبرور حاجی عیسی خان بیگلربیگی طاب الله ثراه مع اختلال الاحوال فی دار الخلافه الباهر الناصری ...»
(ملک: ۴۲۶)

صفحه آغازین نسخه ملک با عکس ناصرالدین شاه شروع می‌شود و پس از آن با ترقیمه و عکس شاعر به پایان رسیده است که با نسخه ملی متفاوت است.

۳-۳- معرفی مثنوی مصیبت نامه

نسخه دیوان شعاعی در کتابخانه ملی پس از مقدمه، مدح و منقبت، با مصیبت‌نامه امام حسین در قالب مثنوی آغاز می‌شود. این مثنوی بر وزن شاهنامه فردوسی در بحر متقارب مثنی‌محدوف در ۷۶۹۰ بیت آمده است. در نسخه ملک از بیت ۸۶۱ - فرستادن امام حسین (ع) مسلم را به کوفه - تا بیت ۷۶۹۰ - پایان مصیبت نامه و آغاز مختارنامه - را ندارد. مصیبت‌نامه در نسخه ملی از صفحه ۱۱ تا ۴۷۶ قرار گرفته است که در ملک تنها ۴۸ صفحه اول که شامل مدح و منقبت و... است با هم تا حدودی مطابقت دارند.

شعاعی سرودن مصیبت‌نامه امام حسین (ع) را در سال ۱۲۷۹ هـ.ق. در سن بیست و شش سالگی شروع کرده و در سیزدهم رجب روز یکشنبه در مهرماه سال ۱۲۸۷ هـ.ق. در سن سی چهار سالگی مصادف با سالی که ناصرالدین شاه به کربلا رفته بود، مثنوی مصیبت‌نامه

را به پایان رسانده است.

۳-۳-۱- موضوع مصیبت‌نامه

مثنوی مصیبت‌نامه در مجموع شعری دینی است که در قرن سیزدهم هجری نوشته شده و شامل قیام امام حسین (ع) علیه ظلم و جور حکومت ناحق است که با هدف اصلاح امت و مبارزه با فساد که با جان دادن این امام بزرگوار و یاران عزیزش و با به اسارت درآمدن خانواده آن بزرگوار به پایان رسیده است.

۳-۴- معرفی مثنوی مختارنامه

در نسخه ملی از صفحه ۴۸۷ تا ۵۲۴ و در نسخه ملک از صفحه ۴۸ تا ۲۶۵ را مختارنامه در بر گرفته است که قسمت اعظم نسخه ملک را شامل شده است. همانند مصیبت‌نامه در قالب مثنوی و در بحر متقارب است.

در نسخه ملی از بیت ۷۶۹۱ تا بیت ۱۰۷۰۴ را شامل می‌شود که در جمع ۲۰۱۳ بیت است. شعاعی زمان آغاز مختارنامه را بیان نکرده اما زمان اتمام آن را در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. در سن پنجاه سالگی بیان کرده است؛ در پایان مختارنامه به ثنای ناصرالدین شاه قاجار پرداخته و با نام او مثنوی خود را به اتمام رسانیده است:

شعاعی نکوتر به ختم کتاب	ثنای شهنشاه مالک رقاب
چو این نامه گفتم در ایام او	همان به کنم ختم بر نام او

(۵۲۱)

در نسخه ملک این گونه آمده است:

«ختم به فضل الله سبحانه و تاییده فی شهر ذی‌الحجه الحرام من سنه ۱۳۰۲ من الهجره المقدسه علی ید ناظمه محمد حسین خان قاجار دولو ولد مرحوم المبرور حاجی عیسی خان بیگلربیگی» (ملک: ۳۷۹)

همان طور که بیان شد، نسخه ملی در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. به دست کاتب و نسخه ملک در سال ۱۳۰۲ هـ.ق. به دست خود شاعر به اتمام رسیده است. این خود شاهدی بر قدیمی‌تر

بودن نسخه ملی است و در واقع می‌توان گفت نسخه ملک به احتمال زیاد پاکنویسی از نسخه ملی است.

۳-۴-۱- موضوع مختارنامه

مثنوی مختارنامه درباره وقایع بعد از قیام امام حسین (ع) و خونخواهی مختار ثقفی است که شاعر مکافات و عاقبت بدی و ظلم را به زیبایی به تصویر کشیده و با رعایت امانت در صحت داستان و بدون دست‌کاری در اصل موضوع، آن را به نظم درآورده است.

۳-۵- معرفی غزلیات شعاعی

نسخه ملی ۳۲۹ غزل دارد که شامل ۵۳۵۰ بیت می‌شود و از صفحه ۵۲۵ تا ۵۵۰ را به خود اختصاص داده است اما نسخه ملک ۲۳۴ غزل دارد که از صفحه ۲۶۶ تا ۴۰۰ ادامه دارد و ۹۵ غزل کمتر از نسخه ملی است. ابتدای غزلیات با بیت زیر است:

ای رازق بی‌منت و ای خالق یکتا عالم همه فانی و تو باقی تو توانا
(۵۲۳)

انتهای غزلیات با بیت:

عشق تو مرا کرده سخن‌گو و سخن‌سبج شد ختم ز الطاف تو دیوان شعاعی
(۶۲۲)

با توجه به آنچه در آخر غزلیات در نسخه ملک آمده غزلیات در ۲۹ جمادی‌الاولی سال ۱۲۹۸ به اتمام رسیده است، یعنی شاعر در سن چهل و پنج سالگی بوده است.

۳-۵-۱- موضوع غزلیات

شعاعی با اینکه در عصر قاجار می‌زیسته و رنگ و بوی شاعران در این دوره عموماً درباری و تقلیدی است شعرش کمتر درباری است ولی رنگ تقلید در غزلیات او کاملاً مشهود است.

غزلیات شعاعی ساده، روان، آمیخته به امثال، تلمیحات، تشبیهات و آرایه‌های لفظی و

معنوی است و اشعارش یادآور سبک خراسانی و عراقی است. شمیسا درباره غزل در دوره قاجار می‌گوید:

«غزل در شعر شاعران این عصر بیشتر سعدی‌وار است یا تلفیقی از شعر سعدی و حافظ و صناعات آن معتدل است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۱۹).

بزرگ‌ترین شاعران غزل‌سرای این دوره عبارت‌اند از نشاط، وصال، فروغی، مجمر و نعمایی جندقی. شاعران غزل‌سرای این دوره با زبانی روان و ساده مضامین غزلیات قدما را دست‌چین می‌کردند و به تقلید از گذشتگان شعر می‌سرودند. محتوای غزل در این دوره عموماً مبتنی بر عشق و عاشقی است و مضامین عارفانه در مرحله بعدی جای دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که معنی و صورت غزل در این دوره کاملاً مبتنی بر تقلید از گذشتگان است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۵۱).

۴- مضامین و محتوای اشعار شعاعی

در این قسمت به بررسی مضامین و محتوای اشعار شعاعی پرداخته شده و درباره مدایح شاعر و تفاوتش با دیگر مدیحه‌سرایان و همچنین مختصات فکری، تأثیرپذیری شاعر و ... مطالبی بیان شده است.

۴-۱- مدیحه‌سرایی و ممدوحان شعاعی

در دیوان شعاعی قاجار مدح بسیار کمی وجود دارد ولی در بین همان معدود مدایح، بیشترین مدح در وصف ناصرالدین‌شاه قاجار است که در چند قصیده و غزل (حدود یازده بار) اسم او را آورده است. در این اشعار مدحی، ابتدا با جلوس شاه شروع می‌کند و در گوشه گوشه ابیاتش نام او را می‌آورد. حتی کتاب مختارنامه را با نام ناصرالدین شاه به اتمام می‌رساند. در این زمینه به سخن فردوسی نیز اشاره می‌کند و با استادی خاصی آن را به ممدوح خویش نسبت می‌دهد. با این ادعا که نهصد سال قبل ناصرالدین‌شاه را ستوده است.

در نتیجه برای این سخن خود از فردوسی تضمین می‌کند:

یکی نغز گفتم آمد به یاد ز نهصد فزون‌تر که گفت اوستاد
(۱۵۶)

که فردوسی طوسی پاک جفت به نام ولیعهد این بیت گفت
«کرا کش پدر ناصرالدین بود پی تخت او تاج پروین بود»
شه دادگر ناصرالدین شاه خداوند تاج و خداوند گاه
(۱۵۸)

البته ابیات پراکنده‌ای در ابتدا دربارهٔ فتحعلی شاه و محمدشاه آورده و در بین داستان جد و نیای خویش، آن‌ها را با نام نیک یاد کرده است:

به‌ویژه محمد شه نیک بخت خداوند تاج و خداوند تخت
ولیعهد شاه است با فر و جاه به جز او کسی را نخوانیم شاه
(۱۷۰)

و همچنین در زمان ولیعهدی مظفرالدین و پس از آن، پادشاهی وی و نیز تعزیت برای مرگ پدرش (ناصرالدین شاه) و تهنیت بر تخت نشستن مظفرالدین شاه ابیاتی را آورده است:

ازین دنیای دون پرور اگر شه ناصرالدین رفت

شهنشاه مظفر و شجاع ملک و دین آمد
(۶۲۸)

سلطان شرق و غرب ولیعهد پادشاه دشمن گداز باشد و درویش پرور است
(۵۴۰)

و امیرکبیر^۷ را در چند بیت مدح کرده است:

باد دایم مبارک و میمون این امیر^۸ سه سال و مه به امیر

تا جهان است کامران بادا نایب السلطنه امیر کیبیر
(۶۳۰)

و ابیاتی چند در مورد حسام السلطنه^۸ آورده است:

آن کیست پیش همت او بحر و کان حقیر بر خاک پای او بدهد آفتاب بوس
باشد حسام السلطنه سلطان مراد آنکه کمتر غلام درگه او کیقباد و طوس
(۶۳۲)

گر نیست دولت است ز دولت قوی چرا پامال شد فرانسه از لشکر پروس
(۶۳۳)

۴-۲- تفاوت مدایح شعاعی و دیگر مدیحه سرایان قاجار

تفاوتی که مدایح شعاعی با دیگر مدایح عصر قاجار و حتی دوره‌های دیگر دارد، آمیزش برخی از مدایح با انتقاد و اعتراض و پند و اندرز است:

تا کی امین سلطان سر حلقه کریمان هیچت خبر نباشد از حال بندگان
(۵۳۴)

تفاوت دیگر مدایح شعاعی، کوتاهی ابیات در ستایش ممدوح است و عدم مبالغه و گزافه‌گویی در مداحی است. اوصاف او از ممدوح متناسب و واقع‌گرایانه است:

هست پدر بر پدر شنهشه ایران زاده شه کامران و از همه ممتاز
(۶۴۲)

تویی که ناصر دین رسول مختاری تویی که وارث دیهیم و تاج پرویزی
(۶۰۸)

خواست شاهنشاه تا یابد به گیتی یادگار کرد روشن رای شاهی شاه راهی اختیار
آن چنان ایمن شده مازندران ز اقبال شاه نشنود کس جز خروش مرغ زار از مرغزار
(۶۳۱)

بیشتر اشعار مدحی شعاعی با آن که به ظاهر مدیحه سرایی است. در حقیقت به منزله پیشنهادی است که به خدمت شاه برای تصویب عرضه می‌شود و صفات خوبی را بر او تحمیل می‌کند تا وی را به آن صفات عادت دهد:

بخت جوان دارد و تدبیر پیر ملک ستان باشد و اقلیم گیر
(۶۴۶)

توصیه به پادشاه تا ادامه دهنده راه ائمه باشد:

شاه جهانش نمود فتحعلی نام تا ز علی فتح نیز یابد از آغاز
(۶۴۲)

نه خصلتی را که اگر پادشاهی داشته باشد قوی و پیروز می‌شود این‌گونه برمی‌شمرد، یاری‌کننده دین، درویش دوستی و رعیت‌نوازی، دادخواه، خدا ترس، بخشنده گناه و سیم و زر، دلیر در جنگ، حق‌شناس:

جهاندار را نیز نه خصلت است که از آن قوی بازوی دولت است
نخستین که او ناصرالدین بود از او نصرت دین و آیین بود
دگر پادشاهی است درویش دوست رعیت‌نوازی ز آیین اوست
نهم پادشاهی بود حق‌شناس سپاسش به جای آورد در سه پاس
(۵۲۲)

۴-۳- مختصات فکری شعاعی

الف- بخش بیشتر دیوان شعاعی قاجار که شامل مصیبت‌نامه و مختارنامه می‌شود، شعری واقع‌گراست؛ به طوری که می‌توان لشکرکشی و حوادث جنگی را به نحو دقیق تاریخی در این دیوان استخراج کرد. در آن از امور ذهنی و خیالی خبری نیست.

ب- بیشتر اشعار دیوان درباره غم و اندوه و واقعیت‌های تاریخی جان‌گداز است؛ می‌توان گفت در مثنوی‌های این شاعر ردی از شادی وجود ندارد. حتی صحنه‌های شادی و

عروسی را بسیار اندک ذکر می‌کند و هیچ رنگی از شادی در آن‌ها نیست. شاید بتوان دلیل آن را به نظم درآوردن واقعه تلخ تاریخی دانست که شاعر سعی کرده نهایت امانت داری را در آن به‌جا آورد.

ج- شاعر با شخصیت‌های داستانی و رویدادهای پیش از اسلام و اسلام آشنایی کامل دارد، از این رو تلمیح به قهرمانان و شاهانی چون انوشیروان و زنجیر عدل او، اعیاد و مراسم، تضمین و تلمیح به آیات قرآن و احادیث فروان به چشم می‌خورد.

د- معشوق در غزلیات شاعر مقام والایی دارد. از این رو همیشه صحبت از فراق است و شاعر در بعضی جاها از معشوق گله می‌کند. در نتیجه از بی‌وفایی معشوق سخت در عذاب است. همچنین در دیوان شعاعی معشوق گاهی مرد است.

س- جنبه‌های عقلانی و تعادل بر جنبه‌های احساسی و اغراق چیره است از این رو حتی در مدح و هجو هم متعادل است.

ش- روحیه حماسی بر اشعار حاکم است. حتی در پند و اندرز و در باب می و معشوق نیز کلام حماسی است.

ک- در مثنوی‌هایش برون‌گراست و هر چند دقایق امور عینی را وصف می‌کند اما با دنیای درون و احساسات و عواطف و هیجان‌ها و مسائل روحی سرو کار ندارد.

م- موضوعات شعری شامل مرثیه، حکمت، موعظه، چیستان، خمیّنه، حماسی و غنا (تغزل) و... است.

ن- اشاره به معارف اسلامی و حدیث و قرآن در آن بسیار زیاد است.

و- اشعارش سرشار از پند و اندرز است؛ این پندها بیشتر جنبه عملی دارد و گاهی جنبه عرفانی و شرعی پیدا می‌کند. شعر شرعی که مقدمه شعر عرفانی است در دیوانش به چشم می‌خورد. البته در غزلیات درون‌گرا و محزون و غیر رئالیستی است و بیش از آنکه به آفاق نظر داشته باشد، به انفس نظر دارد.

۴-۴- صبغۀ ایرانی قهرمانان عربی در توصیف حماسی

گویندهٔ این منظومه میدان‌های نبرد دلاوران عربی را توصیف کرده است ولی به‌علت علاقه‌مندی و توجه به شاهنامه و نیز تعلق خاطر طبیعی به زمینه‌های اساطیری شاهنامه، غالباً از وصف‌های شاهنامه فردوسی بهره بسیار برده است. در نتیجه در سراسر کتاب تعبیرات فراوانی را می‌توان دید که نشان دهنده اشاره به ایران باستان و زمینه فرهنگی شاهنامه است:

به رخ چون محمد به نیرو علی
بر و چنگ چون رستم زابلی
(۳۲۴)

فریدون فرآن سخن پروری
منوچهر چهاران دانش‌وری
(۳۲۷)

که رستم بزد بر بر اشکبوس
به دستم سزد گر زند چرخ بوس
(۴۶۳)

چو خون سیاوش بجوشد ز خاک
چه خواهد شدن خون یزدان پاک
(۴۹۱)

البته گاهی قهرمانان داستان را بر اساطیر شاهنامه ترجیح داد است:

به نیروی مردی و یال یلی
به آوردگه صد چو پور پشنگ
به خاک افکنم رستم زابلی
بیاموزم آداب و یاسای جنگ
(۲۵۱)

دستان پور دستان سرپنجه‌ات نتابد
سهراب می نتابد کردن به زه کمانت
(۵۳۴)

۴-۵- تأثیرپذیری و تضمین از فردوسی

شعاعی در مثنوی‌های خود گاه از مضمون اشعار فردوسی و گاه به صورت تضمین از ابیات شاهنامه استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد دچار تقلید شده است که با توجه به سبک قالب در دورهٔ شاعر که بازگشت به سبک خراسانی است شاعر به‌خوبی

توانسته از عهده این تقلید برآید.

گور از هر سو دوان اندر پی بهرام گور (۵۷۱)	تاخت بهرام از پی گور و ز گورش یاد نه
زند لاف فرزندى از عقل دور (۲۵۷)	ندارد اگر بهره از باب پور
تفاوت ندارند شاه و گدا (۲۵۸)	چو شد حاکم مرگ فرمانروا
که گم باد نام تو اندر زمین (۲۷۱)	بدو گفت هاشم مگو بیش از این

۴-۶- تأثیر پذیری و تضمین از سعدی

شعاعی پس از فردوسی در غزلیات خود بیشتر از سعدی پیروی و اقتفا کرده است و در موارد زیادی ابیاتی از شاعر را به نیز به تضمین آورده است:

بنشین به جا ای کاروان محمل مبند ای ساربان

کز چشم من سیل روان بر کوه و هامون می رود	بر بسته‌ای بار سفر از آه من می کن حذر
تیر دعای عاشقان تا چرخ گردون می رود (۵۵۰)	
دین فروشی و می خری دنیا (۵۲۵)	تا به کی خویش را کنی رسوا
به نزدیک من صلح بهتر ز جنگ (۵۱۰)	به هر جنگ گر چه منم تیز چنگ

۵- نتیجه

شعاعی قاجار از شاعران سده سیزدهم هجری قمری است. شعاعی دیوان شعری دارد که بخش

اصلی آن را دو مثنوی مصیبت نامه و مختارنامه تشکیل داده و پس از آن غزلیاتش بخش عمده‌ای را به خود اختصاص داده است. البته رساله‌ای در وبا را نیز به شعاعی نسبت داده‌اند که کاملاً اشتباه است زیرا هنگامی که رساله کتابت شده شعاعی تنها نه سال داشته است. شعاعی در مثنوی‌هایش واقع‌گرا است و سعی کرده حوادث تاریخی را به نحو دقیق بیان کند. همچنین جنبه عقلانی بر جنبه احساسی و اغراق چیره است از این رو حتی در مدح و هجو هم متعادل است؛ البته در غزلیات درون‌گرا و غیررئالیستی است و بیشتر به انفس نظر دارد.

شعاعی با تمام مهارت‌های خود در سرودن هفده هزار بیت، دچار لغزش‌ها و ایرادهایی در اشعارش نیز هست از جمله خطا در قافیه، شکسته و محاوره‌ای آوردن برخی کلمات، سخته وزنی و تکرار مصراع که به نوبه خود از ارزش ادبی اثر کاسته و اثر را به اثری متوسط تبدیل کرده است.

اهمیت دیوان این شاعر هم به جهت اشعار گران‌قدر مذهبی در واقعه کربلا و قیام مختار است که به زیبایی آن‌ها را به تصویر کشیده است که به نوبه خود سندی معتبر در مورد این واقعه جان‌سوز است.

پی‌نوشت‌ها

* به دلیل اینکه تمامی ارجاعات ابیات ذکر شده از نسخه اصلی دیوان شعاعی قاجار کتابخانه ملی با شماره ۹۷۰ ف، گرفته شده است، بنابراین برای جلوگیری از تکرار و اطاله کلام در ارجاع دهی، به ذکر شماره صفحات اکتفا شده است.

۱- سر لوح: «بسیاری از نسخه‌های خطی در صفحه آغاز دارای شکلی هندسی‌اند مانند گی به محراب و ایوان دارد و مزین به خطوط هندسی یا گل و برگ، به زر و الوان دیگر» (مایل هروی،

۲- هامش: «در لغت به معنای مرز و کنار است و در عرف نسخه شناسی به کناره‌های سه‌گانه صفحات نسخه گفته می‌شود، در مقابل متن نسخه. در بیشتر کتب لغت که معاصران تألیف کرده‌اند - هامش را به معنای حاشیه گرفته‌اند، در حالی که میان هامش و حاشیه در نسخه شناسی و نسخه نویسی فرق است به نحوی که اگر مطلبی - چه کوتاه و چه بلند در کناره‌های صفحات نسخه کتابت شده باشد که همه زمینه کناره‌های مذکور را در برنگیرد، در عرف نسخه نویسی آن را حاشیه می‌نامند، ولیکن اگر در کناره‌های سه‌گانه صفحات، کتابت، یا رساله‌ای جز متن کتابی که در متن کتابت شده است، درج شود و یا مطالب کتابی به صورتی کتابت گردیده که دنباله مطالب متن هر صفحه در سه کناره متن همان صفحه نویسانیده شده باشد، کناره‌های مذکور را هامش می‌خوانند» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۳۱).

۳- ترقیمه: «در لغت کتابت کردن و آراستن و نقطه نهادن خط را گویند و در اصطلاح نسخه نویسان و کاتبان عبارات ابتدا و پایان نسخه را می‌گویند که کتابت پس از دعا و صلوات، از زمان و مکان کتابت یاد می‌کند و به ذکر نام خود می‌پردازد ترقیمه‌ها به واقع شناسنامه‌های نسخه‌های خطی‌اند.» (همان: ۱۲۴)

۴- ظُهر: «در لغت به معنی پشت است در مقابل رو و در عرف نسخه شناسی پشت نخستین برگ از نسخه خطی را گویند. گاه کاتب یا مالک نسخه‌ای، در ظهر آن اسم کتاب و مؤلف را درج کرده است و در نسخه نویسی مرسوم بوده که ظُهر نسخه را با شمس یا ترنج و دیگر اشکال هندسی می‌آراسته‌اند و در میان آن نام کتاب و مؤلف را کتابت می‌کرده‌اند» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۲۸).

۵- اسلیمی یا اسلامی: «در مصطلح مذهب‌بان و نسخه آرایان به نقوش و گره‌بندی‌هایی گفته می‌شود حاوی پیچ و خم‌های متعدّد که چونان گیاه پیچیان - که ساقه، جوانه، برگ و گل و شاخه‌های آن به هم در آمیخته و در هم چنگ زده است - باشد مذهب در نقوش اسلیمی، گل و برگ‌ها و ساقه‌ها را با فاصله‌های معین و قرینه سازی‌های دقیق به هم می‌تاباند و بیشتر مختص نگاهشته‌های ادبی و عرفانی است» (همان: ۱۲۰).

۶- رکابه یا رکابک: «مأخوذ است از رکاب - حلقه مانندی از فلز که در دو طرف زین کوب آویزند و به هنگام سواری پای در آن کنند - در عرف نسخه نویسی به اولین کلمه از نخستین سطر صفحه

بعد که در صفحه قبل آورده می‌شود و در زیر آخرین کلمه از آخرین سطر صفحه قبل است که بیشتر نقش صفحه شمار را بر عهده دارد؛ رکابه در نسخه‌شناسی و تصحیح نُسَخ خطی امری است لازم زیرا یکی از راه‌های مطمئن برای پی بردن به افتادگی‌های وسط نسخه‌ها تطابق رکابه‌های آن-هاست با نخستین کلمات از نخستین سطر صفحه بعد» (همان: ۱۳۲)

۷- میرزا تقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر (ت.ف ۱۲۶۸-۱۲۱۲ هـ.ق.) در زمان ناصرالدین شاه، حدود چهار سال صدراعظم ایران بود.

۸- محمد تقی میرزا حسام السلطنه (۱۲۷۸-۱۲۰۶ هـ.ق.) فرزند فتحعلی شاه قاجار، حکمران ولایت‌های بروجرد و خراسان بود (تیموری، ۱۳۹۲: ۱۵۴۱).

تصاویری از نسخه خطی شعاعی قاجار در کتابخانه ملی





منابع پژوهش

۱- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما. تهران: زوار.

- ۲- اصغری هاشمی، محمد جواد. (۱۳۸۸). شیوه نامه تصحیح متون. تهران: دلیل ما.
- ۳- تجربه کار، نصرت. (۱۳۵۰). سبک شعر در عصر قاجار. تهران: مسعود سعد.
- ۴- تیموری، ابراهیم. (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار. تهران: سخن.
- ۵- جهانبخش، جویا. (۱۳۷۸). تأملات نظری کارآمد در تصحیح متون ادبی. آئینه میراث مکتوب. ش. ۴۲، ص.ص. ۷۳-۲۴.
- ۶- خلیلی، محمدعلی. (۱۳۷۷). کتابشناسی امام حسین. تهران: منیر.
- ۷- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس. (۱۳۷۳). المعجم فی معایر اشعار العجم. تهران: فردوس.
- ۹- ستوده، غلامرضا. (۱۳۷۱). مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: سمت.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). سبک شناسی شعر. تهران: فردوس.
- ۱۲- ----- (۱۳۸۲). نگاهی تازه به بدیع. تهران: مؤلف.
- ۱۰- غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷). سبک شناسی شعر فارسی. تهران: جامی.
- ۱۳- قاجار بیگلربیگی، محمد حسین. نسخه خطی دیوان شعاعی قاجار. کتابخانه ملی، شماره ۹۷۰ ف.
- ۱۴- قاجار بیگلربیگی، محمد حسین. نسخه خطی دیوان شعاعی قاجار. کتابخانه ملک، شماره ۴۷۴۹.
- ۱۵- قاجار، محمد حسین. نسخه خطی رساله‌ای در وبا. کتابخانه ملی. شماره ۷۳۵ ف.
- ۱۷- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۸- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۸۶). کاروان شعر عاشورا. قم: زمزم هدایت.

۱۹- وزین پور، نادر. (۱۳۷۴). فن نویسندگی. تهران: علوم.

۲۰- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی (ادبیات تعلیمی)، سال سوم، شماره نهم.